

تصحیح انتقادی و اصلاح خوانش بخش‌هایی از مناجات شعبانیه با محوریت نقل مفاتیح الجنان

محمد دهقانی فیروزآبادی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۹

چکیده

مناجات شعبانیه از مهم‌ترین ادعیه شیعه است که محدث قمی در مفاتیح الجنان آن را تا حد امکان تصحیح و گزارش کرده است. اما گزارش وی از برخی خطاها در متن و ضبط حرکات برخی از کلمات مصون نمانده و نیازمند تصحیح مجدد و اصلاح خوانش کلمات است. پژوهش حاضر با روش تحلیلی-توصیفی و برپایه منابع کتابخانه‌ای، چند نمونه از این بخش‌ها را که شواهد اطمینان بخشی برای اصلاح آن‌ها وجود دارد، شناسایی کرده است. این مقاله با کاربرست فنون تصحیح انتقادی، از جمله بررسی و اعتبارسنجی مصادر کهن، مقایسه با ادعیه مشابه و توجه به قرائن ادبی و تاریخی مختلف، در چارچوب ضوابط تصحیح قیاسی، موفق به اصلاح ده مورد از این تصحیفات و خطاهای خوانشی شده است. با اصلاح این موارد، راهبرد روشنی برای بازنگری ترجمه‌های موجود این بخش‌ها، بخش‌های دیگر این مناجات و سایر ادعیه ترسیم شده و می‌تواند در پژوهش‌های آتی مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: مناجات شعبانیه، مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، ضبط متون، تصحیح قیاسی، تصحیح انتقادی متون، علوم حدیث، ادعیه.

مقدمه

مناجات شعبانیه از ارزشمندترین تراث ادعیه شیعه به شمار می‌رود که والاترین مضامین عرفانی و زیباترین عاشقانه‌های انسان کامل با معبود را در ضمن خود جای داده است. اهل دیانت، معمولاً این مناجات را براساس نقل محدث جلیل‌القدر، شیخ عباس قمی

۱. طلبه سطح سه حوزه علمیه قم (sina.dehqani.f@gmail.com).

(م ۱۳۵۹ق) در مفاتیح الجنان می خوانند؛ چه این که این اثر گران قدر از زمان تألیف تا کنون در بین عموم شیعیان به عنوان مرجع ادعیه، اعمال و زیارات مورد استفاده قرار گرفته و مؤمنان آن را قرین قرآن کریم قرار داده اند. این کتاب به دلیل مزایای فراوان، تمامی آثار هم رده خود را کم رنگ نموده است؛ تا آن جا که حتی ناشران برای چاپ بخشی از این ادعیه یا زیارات، به جای مراجعه و تصحیح از منابع اصلی به نقل مفاتیح الجنان اکتفا کرده و در نتیجه، نقل ایشان با همه محاسن و معایب تلقی به قبول گردیده است.

از سوی دیگر اما، ضرورت تصحیح انتقادی متون در همه متون کهن، و به طور ویژه در ادعیه، چنین پدیده ای را بر نمی تابد. آثار تکوینی الفاظ دعا، اهتمام معصومین (علیهم السلام) به الفاظ ادعیه،^۱ سیره محدثان امامیه مبنی بر دقت در تصحیح احادیث^۲ و ضرورت هایی از این قبیل، ایجاب می کند تا به تصحیح ادعیه اهتمام خاصی گماشته شود. متأسفانه وقوع خطاها و تصحیفات نه چندان اندک در متن مناجات شعبانیه، باعث شده این مناجات بخشی از مضامین معرفتی، شیوایی ادبی و پیوستگی متنی خود را از دست بدهد.

ضرورت تصحیح ادعیه در سالیان اخیر مورد توجه قرار گرفته و عده ای از پژوهش گران را به این عرصه سوق داده است. در این میان، می توان از رساله «المناجاة الإلهیّات» به تصحیح و تحقیق سعیدرضا علی عسکری (میراث حدیث شیعه، دفتر دوم، ۱۳۷۸، ص ۵۳-۸۸)، مقاله «نقد و بررسی تحلیلی - متنی فرازی از دعای کمیل» اثر پرویز رستگار (علوم حدیث، زمستان ۱۳۸۵، شماره ۴۲، ص ۸۱-۸۹)، مقاله «نگاهی به یکی از تعقیبات نماز عصر و تصحیح فرازی اشتباه از آن» به قلم محمد مهدی فرهی و محسن توکلی (حسنا، زمستان ۱۳۹۱، شماره ۱۵، ص ۱۰۳-۱۱۳) و فصل ششم از کتاب فضیلت و آداب دعا، با بررسی نسخه بدل هانوشته جعفر اسلامی فر (مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۰) یاد کرد.

همچنین در خصوص مناجات شعبانیه آثار ارزشمندی در قالب شرح، ترجمه و مانند آن دو به رشته تحریر درآمده است؛ همچون کتاب شکوه نجوای قلم آیة الله محمد تقی مصباح یزدی (قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ ششم، ۱۳۹۲)، کتاب بر سفره توحید؛ سیری در مناجات شعبانیه از محمد حسن وکیلی (مشهد، مؤسسه خدمات مشاوره ای و پژوهش های اجتماعی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۳). اما متأسفانه در این میان اثری که به تصحیح روشمند

۱. برای نمونه رک: الکافی، ج ۴، ص ۴۳۲؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۲.

۲. برای نمونه رک: مهج الدعوات، ص ۱۰۲؛ مفاتیح الجنان، چاپ سنگی، ص ۴۳۲.

مناجات شعبانیه، ولو در ضمن یک مجموعه پرداخته باشد، در دست نیست.

آری؛ این مناجات در نهج السعادة با چند مورد از منابع مفاتیح الجنان مقابله شده است،^۱ اما اثر نام برده بدون کاربری روش علمی تصحیح انتقادی، به دو یا سه نسخه اکتفا کرده و بیشینه خطاهای ادبی را به همان صورت باقی گذاشته است. همچنین اسلامی فرد در کتاب یادشده بیشتر به بررسی بخش‌هایی از زیارات و ادعیه غیر از مناجات شعبانیه پرداخته و جز یک بخش اشاره‌ای بدان مناجات نکرده است. این کتاب با ادبیات ترویجی نگاشته شده و بررسی علمی نسخه شناختی و رویکرد تصحیح انتقادی در آن به چشم نمی‌خورد. حتی غالب مترجمان و شارحان نام برده نیز به نحوی از مشکلات متنی آن مناجات غفلت یا تغافل ورزیده‌اند.

در این مسیر مقاله حاضر بر آن است تا بخش‌هایی از مناجات شعبانیه را به روش مناسب این مناجات (تصحیح قیاسی) تصحیح نماید و خوانش‌هایی را که نادرست به نظر رسیده است، اصلاح کند. البته به اقتضای محدودیت حجم مقاله و طبیعت روش تصحیح قیاسی، این مهم تنها درباره بخش‌هایی میسر شده که به برکت شواهد بیشتر و متقن‌تر، اظهار نظر قطعی درباره نادرستی آن‌ها امکان داشته است، با این‌که همچنان اختلافات نسخ در دیگر بخش‌های این مناجات وجود دارد و پژوهش‌های دیگری می‌طلبند.

برای تحقق این هدف، به سؤالاتی از این قبیل پاسخ داده شده است که تصحیح انتقادی چیست؟ چه منابعی برای تصحیح انتقادی مناجات شعبانیه وجود دارد و اعتبار هر کدام به چه میزان است؟ بر اساس درجه اعتبار این منابع، روش تصحیح مناسب برای مناجات شعبانیه کدام است؟ کدام بخش‌ها از مناجات شعبانیه با مشکل متنی مواجه هستند و بر مبنای روش تصحیح انتخاب شده، چه وجه صحیحی می‌توان پیشنهاد داد؟ خوانش و ضبط حرکات کدام بخش‌ها نادرست است و وجه درست آن چیست؟

این نوشتار، پس از بررسی مفاهیم و کلیات (تصحیح انتقادی، اصلاح خوانش متون، تصحیح و اصلاح خوانش در خصوص ادعیه، رویکرد مفاتیح الجنان در نقل ادعیه و جایگاه مناجات شعبانیه)، به معرفی و اعتبارسنجی مصادر مناجات شعبانیه خواهد پرداخت. در ادامه با استفاده از داده‌های به دست آمده، روش مطلوب تصحیح این مناجات را تشریح می‌کند و در بخش بعدی به تصحیح شش بخش و اصلاح خوانش در چهار بخش دیگر می‌پردازد.

۱. نهج السعادة، ج ۴، ص ۱۳۹-۱۴۷.

۱. مفاهیم و کلیات

۱-۱. تصحیح انتقادی و اقسام آن

تصحیح انتقادی (textual criticism) عبارت است از به حاصل آوردن نسخه‌ای از اثری که براساس مقابله کردن نسخه‌های خطی معتبر و موثق آن اثر فراهم آمده باشد؛ به طوری که نسخه مذکور حتی الامکان مشابه نخستین نسخه‌ای باشد که مؤلف عرضه داشته است.^۱

۱-۲. اصلاح خوانش متون

رسم الخط‌های کهن عربی - که اصحاب ائمه علیهم‌السلام در کتابت روایات به کار می‌گرفته‌اند - خطوطی بدون نقطه و اعراب بوده‌اند که علاوه بر تصحیفات و تحریفات، موجب می‌شد بسیاری از واژگان به دو یا چند وجه قابل خواندن باشند؛^۲ خوانش‌های مختلفی که گاه به کلی نادرست و مشتمل بر خطای ادبی، گاه فاقد فصاحت، گاه فصیح و گاه در بالاترین مراتب فصاحت قرار می‌گیرند.

بدیهی است که درستی یا نادرستی و فصاحت یا رکاکت خوانش‌ها هرگز توسط عموم مردم، به ویژه فارسی‌زبانان، قابل تشخیص نیست؛ بلکه تشخیص این امور، آشنایی با علوم مختلف ادبی و ممارست بر متون فصیح را می‌طلبد. از این رو، از سال‌ها پیش متون قرآن و ادعیه که مورد استفاده روزمره عموم متدینین قرار دارند، به طور کامل نقطه‌گذاری و حتی حرکت‌گذاری می‌شوند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد مفاتیح الجنان نیز در همان طبع‌های حجری اولیه خود از این نکته مستثنا نبوده است. اما متأسفانه در اعراب‌گذاری این چاپ اشتباه‌های قابل توجهی به چشم می‌خورد که در بخش پایانی این نوشتار، چهار نمونه از این اشتباهات در مناجات شعبانیه ذکر خواهد شد.

تأسف‌بارتر آن که ناشران جدید، و حتی کسانی که داعیه ویرایش و اصلاح مجدد آن را داشته‌اند، به اعراب‌گذاری و ویرایش دوباره حرکات موجود در طبع‌های قدیمی نپرداخته، صحیح و سقیم را عیناً تجدید چاپ کرده‌اند.^۳

۱. نقد و تصحیح متون، ص ۲۶۵.

۲. دیوان المبتدأ والخبر، ج ۱، ص ۵۲۶-۵۲۹.

۳. برای نمونه رک: مفاتیح نوین، ص ۶۷۲-۶۷۷.

۳-۱. مفاتیح الجنان و رویکرد آن در نقل ادعیه

چنان‌که در مقدمه اشاره رفت، محدث قمی با تأسی به سایر محدثان، در کتاب خود عنایت و اهتمام ویژه‌ای به صحت و اتقان در نقل ادعیه و زیارات داشته است. ایشان انگیزه اصلی از تألیف این اثر را چنین بیان کرده است:

این احقر، با این‌که می‌دانستم مذاق مردم این زمان و عدم اهتمام ایشان را در امثال این امور، برای اتمام حجت، سعی و کوشش بسیار کردم که دعاها و زیارات منقوله در این کتاب، حتی‌الامکان از نسخه‌های اصل نقل شود و بر نسخ متعدده عرضه شود، و به قدری که از عهده برآیم، تصحیح آن نمایم تا عامل به آن از روی اطمینان عمل نماید؛ ^۱ إن شاء الله.

از جمله مواردی که اهتمام و التزام ایشان را به مقابله و تصحیح متنی نشان می‌دهد، ذکر تعداد زیادی از نسخه بدل‌هاست که به قلم خودشان در اصل کتاب با علامت «خ ل» مرقوم داشته‌اند، به طوری که معمولاً در همه صفحات چندین نسخه بدل وجود دارد و این موارد در مناجات شعبانیه، ضمن همین نوشته در کنار سایر نسخ تذکر داده خواهد شد.

همچنین در مواردی، ایشان علاوه بر مقابله، علت ترجیح یک وجه را بیان کرده‌اند که از مهارت بالای ایشان در فن تصحیح پرده برمی‌دارد. برای نمونه، محدث قمی در دعای ندبه، ضمن تعلیقه‌ای بر عبارت «متی ننتقع من عذب مائک» بیان می‌دارد که در همه نسخه‌ها واژه «ننتقع» را با فاء (ننتفع) ثبت کرده‌اند، اما ایشان به قرینه واژه «الصدی» (= تشنگی) در پایان جمله، «ننتقع» (= سیراب شدن) را ترجیح می‌دهند و در تأیید مطلب خود به این نکته استشهاد می‌کنند که انتفاع باید با «باء» متعدی شود، در حالی که در این جمله «من» وارد شده است که تنها می‌تواند به انتفاع تعلق بگیرد.^۲

البته به دلایلی از جمله محدودیت دسترسی ایشان به برخی منابع، عدم امکان مشابَهت‌یابی متنی و نبودن ضوابط امروزی تصحیح انتقادی، حاصل جهد و تلاش ایشان عاری از عیب و نقص نبوده است که مقاله حاضر سعی در برطرف کردن آن دارد، اما پرواضح است که این کاستی‌ها ذره‌ای از ارج این شخصیت گران‌قدر نمی‌کاهد.

۱. مفاتیح الجنان، چاپ سنگی، ص ۴۳۴.

۲. مفاتیح الجنان، چاپ سنگی، ص ۵۳۷.

۴-۱. جایگاه مناجات شعبانیه

از افتخارات شیعه، ادعیه‌ای است که از ائمه خود به میراث برده‌اند؛ میراثی که توشه راه سعادت دنیوی و اخروی اهل مناجات را تأمین می‌کند. اما چنان‌که بسیاری از عرفا گفته‌اند، مناجات شعبانیه از لحاظ علو مضامین معرفتی و جامعیت محتوای معنوی بین سایر ادعیه در صدر قرار می‌گیرد. امام راحل علیه السلام بارها و بارها به عظمت این مناجات اشاره کرده و بخش‌های مختلفی از آن را به مناسبت‌های مختلف شرح داده‌اند.^۱ علامه طباطبائی رحمته الله مناجات شعبانیه را «دربردارنده مقدمه و ذی المقدمه؛ سلوک و شهود» می‌دانند.^۲ همچنین عارف دل‌سوخته، میرزا جواد ملکی تبریزی رحمته الله آن را مناجاتی دانسته‌اند که اهل مناجات به آن عشق می‌ورزند و به خاطر قرائت این مناجات انتظار رسیدن ماه شعبان را می‌کشند.^۳

۲. مصادر نقل مناجات شعبانیه

تمامی مصادر آتی که این مناجات را نقل کرده‌اند، آن را به شخصی به نام «ابن خالویه» نسبت داده‌اند و او تنها کسی است که از سلسله راویان این روایت شناخته شده است. بر اساس بررسی‌های رجالیان، مسلم است که این شخصیت همان علی بن محمد بن یوسف بن خالویه بوده و این مناجات را در کتابی به نام عمل شعبان روایت کرده است.^۴ شاید از تعبیر نجاشی استفاده شود که این کتاب از کتب معتبر بین امامیه بوده و این نکته در اعتبارسنجی این روایت بسیار قابل توجه خواهد بود.^۵ کتاب عمل شعبان امروزه در دسترس ما نیست و ما به ناچار، از طریق منابع ثانوی سعی در تصحیح مناجات شعبانیه و ارائه نزدیک‌ترین متن به روایت او داریم.

۲-۱. الإقبال بالأعمال الحسنة فی ما یعمل مؤدّ فی السنة (اقبال الاعمال)

هرچند محدث قمی در مفاتیح الجنان سندی به ابن خالویه ذکر نکرده است، اما بر حسب رویه ایشان در نقل ادعیه، به نظر می‌رسد منبع ایشان یا کتاب اقبال نوشته سید ابن طاووس باشد و یا بحار الأنوار علامه مجلسی. برفرض نقل این دعا از کتاب اقبال، در این کتاب

۱. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۳۱ و ج ۱۹، ص ۲۵۳ و ج ۲۱، ص ۲ و....

۲. رسالة الولاية، ص ۲۷۲.

۳. المراقبات، ص ۱۸۶-۱۸۸.

۴. قاموس الرجال، ج ۳، ص ۴۴۷؛ ریاض العلماء، ج ۲، ص ۲۳.

۵. رجال النجاشی، ص ۲۶۸.

سندی تا ابن خالویه ذکر نشده و به صورت مرسل از ابن خالویه نقل شده است. حتی از تعبیر سید معلوم می شود که او کتاب ابن خالویه را در دست نداشته و به واسطه کتاب دیگری از وی نقل کرده است؛ چه این که این دعا را «مروئ عن ابن خالویه» خوانده است.^۱ قدیمی ترین دست نوشته موجود از این کتاب در ایران به قرن دهم بازمی گردد که با توجه به فاصله نسبتاً طولانی تا عصر سید ابن طاووس (م ۶۶۴ق)، نمی تواند نقش مؤثری در تصحیح حاضر داشته باشد؛^۲ علاوه بر این که نسخه چاپی این کتاب مشتمل بر نسخه بدل هایی نیز هست و ما را از بررسی نسخه خطی بی نیاز می سازد.

۲-۲. بحار الأنوار و نسخه عتیق غروی

علامه مجلسی در بحار الأنوار مناجات شعبانیه را مستقیماً از کتابی به عنوان الکتاب العتیق الغروی نقل می کند.^۳ این مناجات در کتاب عتیق غروی با تعبیر «روایه ابن خالویه» آمده و روشن نیست که صاحب کتاب عتیق غروی این مناجات را با واسطه از ابن خالویه نقل می کند یا بدون واسطه؟ علامه مجلسی در مقدمه کتاب خود، کتاب عتیق غروی را نسخه ای معرفی می کند که در سال ۵۷۶ق، نوشته شده است. سپس از گفته های کفعمی استظهار می کند که این نسخه همان مجموع الدعوات نوشته محمد بن هارون تلّعکبری باشد.^۴

شایسته بود برای اطلاع از نسخه بدل های نقل شده در بحار الأنوار، نسخه خطی این مجلد که به خط علامه مجلسی در کتابخانه ملک تهران به شماره ۱۰۰۳ نگهداری می شود، مورد بررسی قرار بگیرد، لکن دسترسی به این نسخه تا کنون برنگارنده میسر نشده است.^۵

۲-۳. نسخه کتابخانه جعفریه قائن

نگارنده نتوانست نسخه ای از مجموع الدعوات نوشته تلّعکبری دست پیدا کند، اما در فهرستگان نسخ خطی ایران نسخه ای تحت عنوان مجمع الدعوات به تلّعکبری نسبت داده شده است. این نسخه در کتابخانه مدرسه جعفریه قائن به شماره ۸۸ نگهداری شده و تاریخ

۱. الإقبال، ج ۳، ص ۲۹۵.

۲. فهرستگان نسخه های خطی ایران فهرستگان نسخه های خطی ایران، ج ۴، ص ۶۰۴.

۳. بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۹۶-۹۷.

۴. همان، ج ۱، ص ۳۳.

۵. فهرستگان نسخه های خطی ایران، ج ۵، ص ۶۰۳.

کتابت آن قرن یازدهم گزارش شده است.^۱

با تفحص در این نسخه برنگارنده معلوم شد که مناجات شعبانیه در ضمن آن وجود ندارد. لذا به احتمال زیاد، این کتاب با نسخه مورد استفاده علامه مجلسی مغایرت دارد. این مغایرت یا از اشتباه علامه مجلسی ناشی می‌شود یا از اشتباه فهرست‌نگار. هرچند احتمال افتادگی آن نسخه و احتمال اشتباه راقم این سطور نیز نباید نادیده انگاشته شود. باری، این نسخه در قرن یازدهم کتابت شده و نظربه فاصله بالای آن از عصر تلعه‌کبری (م ۳۸۵ق)، چندان نمی‌تواند در تصحیح مورد اعتماد قرار بگیرد، هرچند به لحاظ استقلال نسخه حائز اهمیت است.

۲-۴. زاد المعاد

علامه مجلسی در این کتاب مناجات شعبانیه را به نقل از اقبال الاعمال سید ابن طاووس ذکر کرده و این کتاب می‌تواند به عنوان نسخه‌ای از اقبال مورد اعتنا قرار گیرد.^۲

۲-۵. الصحيفة العلویة

شیخ عبد الله سماهیجی (۱۰۸۶-۱۳۵ق) از علمای اخباری است که در کتاب خود، الصحيفة العلویة این مناجات را نقل کرده است.^۳ با توجه به دامنه اندک نقل وی با منابع فوق‌الذکر، به نظر نمی‌رسد او به منبع ویژه دیگری دسترسی داشته باشد، اما به عنوان نسخه‌ای از آن‌ها می‌تواند به تصحیح حاضر کمک کند. البته نگارنده به جهت عدم اعتماد به نسخه مطبوع این کتاب و عدم ذکر نسخه‌بدل‌ها در آن، در کنار نسخه مطبوع از نسخه خطی معتبری از این اثر استفاده کرده است. این نسخه به شماره ۱۲۴۴۴ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی فهرست شده و مزین به دست خط مصنف آن است.

۲-۶. مفاتیح الجنان

بررسی نسخه‌بدل‌های مفاتیح الجنان نشان می‌دهد محدث قمی این مناجات را با عنایت به اقبال الاعمال سید ابن طاووس و نقل علامه مجلسی در کتاب خود ذکر کرده است. دقیق‌ترین تصحیح مفاتیح الجنان توسط انتشارات به نشر به چاپ رسیده است. بنیاد

۱. فهرستگان نسخه‌های خطی ایران، ج ۲۸، ص ۲۵۰.

۲. زاد المعاد، ص ۴۷.

۳. الصحيفة العلویة، ص ۱۸۶.

پژوهش‌های آستان قدس رضوی «این کتاب شریف را برپایه نسخه تصحیح شده مؤلف و نسخه مقابله شده آیه الله العظمی میلانی و با استعانت از مصادر اصلی تحقیق و تصحیح کرده» و به چاپ رسانیده است.^۱

از دیگر تصحیح‌های دقیق این کتاب، چاپ سنگی اسلامی است که آن را «از روی نسخه‌ای که به قلم خود مؤلف تصحیح شده بود، مقابله و غلط‌گیری کرده‌اند».^۲ نگارنده در خلال این تصحیح دریافت که این چاپ حتی در نسخه بدل‌ها هیچ اختلافی با تصحیح جدید نداشته و این خود موجب اطمینان به انتساب ضبط‌ها و نسخه بدل‌های مفتاح الجنان به محدث قمی می‌گردد.

۷-۲. مناجات الیهات امیر المؤمنین (علیه السلام)

این مناجات از مناجات‌های مشهوری است که از آن امام همام نقل شده و بسیاری از بخش‌های آن با مناجات شعبانیه شباهت و گاه حتی عینیت دارد. البته چنین نیست که بتوان مناجات الیهات را نسخه‌ای دیگر از مناجات شعبانیه و از مرویات ابن خالویه دانست، اما به هر حال این هر دو مناجات از یک چشمه جوشیده‌اند و این می‌تواند در تصحیح راهگشا باشد. این شباهت بالا حتی ممکن است این گمان را در انسان ایجاد کند که بخش‌های مناجات شعبانیه و مناجات الیهات هر کدام جملات مستقلی بوده‌اند که امیر المؤمنین (علیه السلام) گاهی به ترتیب موجود در مناجات شعبانیه و گاه دیگر به ترتیب مناجات الیهات آن‌ها را خوانده‌اند. باری، این مناجات به دو طریق نقل شده و در آثار مختلفی به چاپ رسیده است که عبارت‌اند از:

الف) کفعمی: مناجاة أمير المؤمنين مروية عن العسکری عن آبائه (علیهم السلام).^۳ علامه مجلسی نیز این روایت را از او نقل کرده است.^۴

ب) فضل الله راوندی و پسرش: ایشان دو نسخه را با دوسند جداگانه از امام عسکری (علیه السلام) همین مناجات را به طور مسند روایت کرده‌اند که به کوشش علی اوجبی به عنوان مناجات الیهات حضرت امیر (علیه السلام) و ما نزل من القرآن فی علی (علیه السلام) (تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۷۸) به زیور

۱. مفتاح الجنان، بنیاد رضوی، صفحه پانزدهم.

۲. همان.

۳. البلد الأمين، ص ۳۱۱-۳۱۹؛ المصباح، ص ۳۶۸-۳۶۸.

۴. بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۱۰۰-۱۰۹.

طبع آراسته شده است. سعید علی این دو نسخه را با دو نسخه دیگر با عنوان مناجاة مولانا امیر المؤمنین (قم، عهد، ۱۳۸۰) مقابله و چاپ کرده است.

همچنین سعیدرضا علی عسکری این مناجات را در مقاله‌ای با عنوان «المناجاة الإلهیات» (میراث حدیث شیعه، دفتر دوم، ۱۳۷۸، ص ۵۲-۸۸) با چندین نسخه مخطوط و مطبوع دیگر (از جمله کتب کفعمی) مقابله و منتشر نموده است.

الهام کوهستانی همین تصحیح پیشین را با حذف نسخه بدل‌ها، اما به انضمام تصویر برگردان (فاکسیمیل) نسخه فضل الله راوندی به چاپ رسانیده است (بساتین، سال اول، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۳).

بدیهی است در این نوشته مقاله علی عسکری به عنوان جامع‌ترین تصحیح موجود از این مناجات شریف مورد استناد قرار خواهد گرفت.

۲-۸. مناجات امیر المؤمنین در مسجد جُعفری

این مناجات در کتب معتبر ادعیه و زیارات نقل شده است. میثم تمار، راوی این دعا، نقل می‌کند که امیر المؤمنین علیه السلام شبی او را با خود به خارج از کوفه برده و وقتی به مسجد جعفری رسیده‌اند، حضرت مشغول این مناجات شدند.^۱ برخی بخش‌های این روایت با مناجات شعبانیه، برخی با مناجات الهیات و برخی با هردوی آن‌ها شباهت یا عینیت دارند.

۲-۹. دستور معالم الحكم

قضاعی از علمای اهل سنت، در باب هشتم کتاب خود به طور مسند مناجاتی را از امیر مؤمنان علیه السلام نقل می‌کند که برخی از بخش‌های آن با مناجات شعبانیه و مناجات الهیات بسیار شبیه است.^۲

۲-۱۰. سایر ادعیه

معصومین علیهم السلام همگی از نور واحدند و ادبیات مناجاتشان بسیار به یکدیگر شباهت دارد. لذا جای تعجب ندارد که بخش‌هایی نزدیک به تعابیر مناجات شعبانیه و گاهی حتی با همان الفاظ در تعابیر سایر ائمه علیهم السلام تکرار می‌شود. به طور ویژه، در برخی دعا‌های نورانی امام

۱. المزار الکبیر، ص ۱۴۹-۱۵۳؛ المزار، ص ۲۷۰-۲۷۵؛ بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۴۴۹-۴۵۲.

۲. دستور معالم الحكم، ص ۲۶۱-۲۷۳.

زین العابدین علیه السلام همچون دعای پس از نماز عصر روز جمعه،^۱ دعای ابوحمزه ثمالی^۲ و مناجات انجیلیه^۳ چندین بخش مشابه با مناجات شعبانیه به چشم می خورد.

۳. روش تصحیح مناجات شعبانیه

به طور کلی چهار روش برای تصحیح انتقادی متون وجود دارد که به حسب وضعیت اعتبار نسخه ها و منابع موجود از اثر، یک روش متعین می شود. این چهار روش عبارت اند از: تصحیح براساس نسخه اصل، تصحیح التقاطی، تصحیح بینابینی و تصحیح قیاسی.^۴ پس از بررسی مصادر مناجات شعبانیه و برپایه داده های حاصله، می توان نتیجه گرفت که تنها روش ممکن برای تصحیح این مناجات از بین روش های چهارگانه، روش تصحیح قیاسی (conjectural criticism) است؛ زیرا قدیمی ترین نسخه ای که از این مناجات در دست داریم، به قرن دهم و یازدهم برمی گردد و فاصله زیادی با عصر صدور اثر دارد. در مواردی که نسخه های موجود از یک اثر به حدی از ضبط و صحت و اتقان نیستند که حتی مجموع آن ها قابل اعتماد باشد، محققان فن تصحیح روش تصحیح قیاسی را برمیگزینند.^۵

البته اختلاف این نسخ چندان زیاد نیست که وثوق به بخش های مختلف متن از بین برود، اما با عنایت به حساسیت عرصه تصحیح ادعیه و هدف ویژه ما مبنی بر ترجیح بین چند نسخه بدل که تفاوت اندکی با هم دارند، راهی جز تصحیح قیاسی پیش روی ما نخواهد ماند. باید توجه داشت که تصحیح قیاسی به هیچ وجه به معنای تصحیح ذوقی نیست، بلکه ضوابط و بایسته های دشواری را برای تصحیح قیاسی برشمرده اند که مصحح باید به آن ها توجه داشته باشد.^۶ مهم ترین موارد ذکر شده عبارت اند از:

الف) توجه به مؤیدات واژگانی عصر مؤلف؛

ب) مطابقت متن با قواعد دستوری زبان مؤلف و استعمالات رایج آن زبان؛

ج) بررسی عباراتی که معنای محصلی ندارند؛

۱. مصباح المتهجد، ج ۱، ص ۳۹۷؛ البلد الأمين، ص ۷۸؛ بحار الأنوار، ج ۸۷، ص ۸۰.

۲. مصباح المتهجد، ج ۲، ص ۵۸۲-۵۹۸؛ مفاتیح الجنان، چاپ سنگی، ص ۱۸۶.

۳. بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۱۵۳-۱۷۳.

۴. نقد و تصحیح متون، ص ۲۷۱-۲۷۷.

۵. همان، ص ۲۷۵.

۶. همان؛ یادداشت ها و اندیشه ها، ص ۳۴.

- (د) بررسی مواردی که از جهت وزن، قافیه و سجع معیوب‌اند؛
 (ه) بررسی احتمالات ممکن در تصحیح عبارات؛
 (و) توجه به بافت و ساختار آثار نزدیک به متن اثر، نسخه‌های کمکی و متون هم‌خانواده؛
 (ز) توجه تام به ضبط نسخه‌ها.

بنابراین، قرائنی که در تصحیح قیاسی مناجات شعبانیه می‌توان از آن‌ها بهره جست، اعم از لغت‌نامه‌هایی است که واژگان سالیان ابتدائی اسلام را می‌شناساند، یا قواعد صرفی، نحوی، بلاغی و معناشناختی مربوط به زبان عربی فصیح، یا سیاق متون مشابه، یا رویه‌ها و لغزش‌گاه‌هایی که در کتابت نسخه رواج دارد، و یا هرگونه نکته تاریخی دیگر. به عنوان مثال، از بررسی کلمات امیر مؤمنان علیه السلام در خطبه‌ها، رسائل، ادعیه و حتی برخی محاورات روزمره ایشان به وضوح معلوم است که همگی آن‌ها در اوج فصاحت قرار دارند. پس این مناجات - که از همان ساحت مقدس صادر شده است - به یقین نمی‌تواند مشتمل بر اغلاط نحوی یا عبارات غیربلیغ باشد. در جانب مقابل، نباید وجود کلمات خاص ادیبانه یا مضامین بلند عرفانی در کلمات آن حضرت را مستبعد دانست.

از دیگر بایسته‌های این روش تصحیح استفاده از متون همسو و مشابه است.^۱ از همین رو، در بحث گذشته مناجات الهیات، مناجات آن حضرت در مسجد جعفری و نقل قضای در عداد مصادر مناجات شعبانیه ذکر شدند؛ چرا که بخش‌های آن ادعیه در مضمون و حتی در لفظ شباهت بالایی به مناجات شعبانیه دارند و می‌توانند در پاره‌ای از موارد اختلاف نسخ باعث ترجیح یک وجه شوند. خصوصاً این‌که چنان‌که اشاره رفت، احتمال می‌رود مناجات شعبانیه دارای یک نوع وحدت و یکپارچگی نباشد، بلکه مجموعه‌ای از ادعیه مستقل باشد که امیرالمؤمنین علیه السلام در هر مقام، تعدادی از این بخش‌ها را به ترتیب مقتضای همان مقام قرائت کرده‌اند، و یا راویان به ترتیب خاص بخش‌ها اعتنائی نداشته‌اند و صرفاً درصد تجمیع بخش‌هایی از مناجات ایشان بوده‌اند.

۴. تصحیح برخی بخش‌ها

۴-۱. راجِیاً لِمَا لَدَیْكَ ثَوَابِی

به حسب این عبارت، می‌باید «ما» موصوله و «لَدَیْكَ ثَوَابِی» صله آن باشد. اما در این صورت

صله از هرگونه عائد خالی شده و برای این عبارت معنای قابل فهمی نخواهد ماند؛ زیرا معنای آن فرضاً به این صورت خواهد شد که: «به آنچه ثواب من نزد توست، امیدوارم». لذا به ناچار مترجمان و شارحان عبارت را به صورت «به آنچه در نزد توست، چشم امید دارم»، «امیدوار به ثوابی که نزد توست» و مانند آن ترجمه کرده‌اند که دارای نقص آشکار است.^۱

از سوی دیگر اما، در بحار الأنوار، زاد المعاد، برخی نسخه‌های اقبال، نسخه خطی الصحيفة العلویة و نیز در دعای امام سجاد (علیه السلام) در عصر جمعه، به جای «ثوابی»، «ترانی» آمده است.^۲ این دو کلمه بسیار به یکدیگر شباهت دارند و امکان تصحیف بین آن‌ها بسیار بالاست؛ زیرا اگر قسمت فوقانی «ر» کمی ضخیم نوشته شود یا دایره «و» بسته و کوچک باشد، این دو قابل تمایز نیستند و نقطه‌گذاری هم در غالب نسخ قدیمی به صورت حداقلی مورد استفاده قرار می‌گرفته است. البته محدث قمی نسخه بدلی برای این واژه ننوشته‌اند. لذا به نظر می‌رسد ایشان در این نقل خود بر نسخه‌ای از اقبال اعتماد و اقتصار کرده و وجه نادرست را گزارش کرده‌اند.

بر پایه شواهد ارائه شده، کلمه «ثوابی» به «ترانی» تبدیل شده و این کلمه با جمله بعدی مرتبط است؛ یعنی «ترانی و تعلم» و سایر فعل‌های مضارع در ادامه مناجات به هم عطف می‌شوند. علاوه بر این که سجع کلمات پیشین (یدیک، لک، إلیک) نیز با اتمام جمله در «لدیک» تکمیل شده و به طور کلی عبارات پیشین و پسین این بخش ساختار منظمی به خود می‌گیرند. پیش از این نیز در برخی آثار ناظر به مناجات شعبانیه به تصحیح این اشتباه اشاره شده است.^۳

۴-۲. فَقُلْتُ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ

در این عبارت، «ما» موصوله مقول قول قرار گرفته است. گرچه این استعمال هم می‌تواند صحیح باشد و نظایری برای آن یافت می‌شود، اما اصل نحوی و استعمال غالب بر این است که مقول قول به صورت جمله بیاید.^۴ علاوه بر این، چه در عرف عام عربی فصیح و چه در

۱. مفاتیح الجنان، بنیاد رضوی، ص ۲۰۸؛ شکوه نجوا، ص ۳۱.

۲. بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۹۷؛ زاد المعاد، ص ۴۷؛ الإقبال، ج ۳، ص ۲۹۵؛ الصحيفة العلویة، مخطوط، ص ۶۱؛ مصباح المتعجل، ج ۱، ص ۳۹۷.

۳. نهج السعادة، ج ۶، ص ۱۳۹؛ بر سفره توحید، ص ۷۷.

۴. شرح الرضی علی الکافی، ج ۴، ص ۱۷۴-۱۷۷.

عرف خاص ادعیه، مضمون «گفتن سخنی که سزاوار خداست» یافت نمی شود. به عکس، این تعبیر درباره «انجام دادن آنچه سزاوار خداست» بسیار شایع بوده و کنایه از کرم و بخشش الهی است.^۱ این مضمون با جمله بعد که به این عبارت عطف می شود (وَتَعَمَّدَنِي بِعَفْوِكَ) نیز کاملاً مناسب دارد.

همچنین با مراجعه به مصادر معرفی شده برای تصحیح مناجات شعبانیه، در بحار الأنوار، زاد المعاد، برخی نسخ اقبال و همچنین در نسخه بدل مفاتیح الجنان، «فَقَعَلْتُ» را به جای «فَعَلْتُ» ملاحظه می کنیم.^۲ علاوه بر این در بخش مشابه این دعا در مناجات الهیات، عبارت «فصنعت بی ما یشبهک» آمده است که مضمون «فعلت» را تأیید می کند.^۳

۳-۴. وَعُدَّ عَلَيَّ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ مُذْنِبٍ

فعل «عاد یعود» در این استعمال خود با دو حرف جر «علی» و باء متعدی شده و به معنای این است که چیزی را به کسی ببخشند و عطا کنند، چنان که در روایت آمده است:

وَلْيُعْدْ غَنِيَّكُمْ عَلَيَّ فَقِيرِكُمْ.^۴

اما در عبارت بالا مشکل این جاست که «عُدَّ» با باء و دو «علی» متعدی شده است! شاید این توجیه به نظر برسد که «علی مذنب» از «علی» بدل آمده است، اما این هم مستلزم فاصله بین بدل و مبذل منه است، و هم مستلزم التفات که در این مقام لطفی ندارد.

مصادر تصحیح ما نشان می دهند که «علی» در بحار الأنوار، زاد المعاد و الصحيفة العلویة و نیز در نسخه بدل مفاتیح الجنان وجود ندارد و این عبارت به سبب کثرت استعمال «عُدَّ علی» و ارتکاز ناسخ، مورد تحریف قرار گرفته است.^۵ شاهد آن که در مناجات الهیات و روایت دستور معالم الحکم آمده است:

وَعُدَّ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ مَنْ غَمَرَهُ جَهْلُهُ.^۶

۱. الکافی، ج ۴، ص ۵۸۶ و ج ۸، ص ۶۴۱ و...

۲. بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۹۷؛ زاد المعاد، ص ۴۷؛ الإقبال، ج ۳، ص ۲۹۶؛ مفاتیح الجنان، بنیاد رضوی، ص ۲۰۸.

۳. المناجاة الإلهیات، ص ۷۷.

۴. الکافی، ج ۳، ص ۵۶۲.

۵. بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۹۷؛ زاد المعاد، ص ۴۸؛ الصحيفة العلویة، ص ۱۸۶؛ مفاتیح الجنان، بنیاد رضوی، ص ۲۰۹؛

مفاتیح الجنان، چاپ سنگی، ص ۱۵۷.

۶. المناجاة الإلهیات، ص ۷۹؛ دستور معالم الحکم، ص ۲۶۸.

۴-۴. إِذْ لَمْ تَظْهَرْهَا

واژه «إذ» در این بخش تعلیلیه و یا ظرفیه است، اما روشن نیست که چگونه می‌تواند کلام سابق خود را تعلیل کرده و یا با زمان قید بزند؛ زیرا معنای دو عبارت در کنار هم چنین است: خدایا در این دنیا گناهان زیادی بر من پوشانده ای، اما من در جهان دیگر به خطاپوشی بسیار محتاج‌ترم؛ چرا که تو گناهانم را برای احدی از بندگان شایسته‌ات بر ملا نکردی.

ملاحظه می‌شود که ارتباط معقولی میان این دو جمله برقرار نمی‌شود. از این رو، پی می‌بریم که بین این دو عبارت، جمله «إلهی قد أحسنتَ إلیّ» افتاده و همین موجب اشکال شده است.

روشن نیست که محدث قمی با اعتماد بر کدام نسخه در متن اصلی این بخش را اسقاط کرده و نسخه بدل قرار داده است،^۱ اما به هر حال در هیچ یک از مصادر تصحیح ما این افتادگی گزارش نشده است.^۲ احتمال می‌رود این عبارت از قلم محدث قمی افتاده و بعداً توسط ایشان در حاشیه با علامت «صح» تصحیح شده باشد، اما بعداً به اشتباه با علامت «خ» و به عنوان نسخه بدل به چاپ رسیده است. در مناجات الیهیات نیز آمده است: «وقد أحسنت بی إذ لم تظهرها».^۳

۴-۵. غَيْرُ مَمْلُوكٍ

معنای این عبارت چنین است:

خدایا، هر کس به او روی آوری، برده و مملوک کسی نیست.

ملاحظه می‌شود که این معنا چندان معقول نیست و با تعبیر قبل نیز سازگاری ندارد. با توجه به شباهت نگارشی دو حرف کاف و لام در برخی رسم‌الخط‌های قدیمی، می‌توان حدس زد که «غیر مملوک» وجه تصحیف شده از «غیر مملول» باشد. در این صورت، این واژه با انتهای دو جمله قبل (غیر مجهول، غیر مخذول) سجع زیباتری به ارمغان می‌آورد. علاوه بر این، در بحار الأنوار، زاد المعاد، برخی نسخ اقبال، نسخه خطی الصحيفة العلویة و در

۱. مفاتیح الجنان، بنیاد رضوی، ص ۲۰۹؛ مفاتیح الجنان، چاپ سنگی، ص ۱۵۷.

۲. بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۹۷؛ زاد المعاد، ص ۴۸؛ الإقبال، ج ۳، ص ۲۹۷؛ الصحيفة العلویة، ص ۱۸۶.

۳. المناجاة الإلهیات، ص ۷۹.

نسخه بدل مفاتیح الجنان «مملول» ذکر شده و موجب اطمینان به صحت می‌گردد.^۱ با تصحیح این عبارت، معنای مناجات نیز روشن شده و با ما قبل کاملاً هم خوان خواهد شد: خدایا، هر کس به تو پناه آورد، نزد دیگران خوار نمی‌شود، و هر کس تو به او روی آوری، کسی از او خسته نمی‌شود.

۴-۶. وَهَمَّتِي فِي رُوحِ نَجَاحِ أَسْمَائِكِ

واژه «همّتی» را نمی‌توان بر جمله پیشین عطف نمود؛ زیرا «أَلْهَمْنِي وَلَهَا وَأَلْهَمْنِي هَمَّتِي» بی‌معناست. لذا در ترجمه‌ها معمولاً این گونه آورده‌اند که «وهمّتم را در نسیم کامیابی اسمائت و محل قدست قرار ده»^۲ یا «وهمت مرا به نشاط و موفقیت در نام‌های خود و مقام مقدس خویش موقوف ساز»^۳ و یا «وهمت من را در یک آرامشی قرار بده که از راه رسیدن به اسما و محل قدس تو حاصل می‌گردد».^۴

روشن نیست که چرا مترجمان از «قرار دادن» و «موقوف ساختن» استفاده کرده‌اند، در حالی که حتی در نسخه بدل‌های مفاتیح الجنان نیز کلمه‌ای همچون «اجعل» گزارش نشده است.^۵

آری؛ در الصحیفة العلویة، زاد المعاد و برخی نسخه‌های اقبال تعبیر «واجعل همّتی» آمده است، اما به نظر می‌رسد این واژه از اضافات نساخی باشد که همان راه مترجمان را پیموده و چون نتوانسته‌اند معنایی برای این تعبیر بیابند، «اجعل» را در اثنای کلام افزوده‌اند.^۶ اما با مراجعه به بحار الأنوار (که بی‌واسطه از نسخه عتیق غروی نقل می‌کند) کلمه «اجعل» به نسخه بدل رفته و در متن واژه «وهمّنی» (بدون هرگونه اعراب و تنها با نقطه نون) به ثبت رسیده است. شاید در نگاه اول کم شدن یک نقطه از «تاء» صرفاً یک غلط چاپی به چشم بیاید، اما می‌توان این واژه را به صورت «هُمَّتِي» از «همّ» دانست.

صاحب لسان العرب گوید:

۱. بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۹۸؛ زاد المعاد، ص ۴۹؛ الإقبال، ج ۳، ص ۲۹۸؛ الصحیفة العلویة، مخطوط، ص ۶۴؛ مفاتیح الجنان، بنیاد رضوی، ص ۲۱۱؛ مفاتیح الجنان، چاپ سنگی، ص ۱۵۸.
۲. بر سفره توحید، ص ۱۵۵.
۳. مفاتیح الجنان، بنیاد رضوی، ص ۲۱۱.
۴. شکوه نجوا، ص ۱۳۳.
۵. مفاتیح الجنان، بنیاد رضوی، ص ۲۱۱؛ مفاتیح الجنان، چاپ سنگی، ص ۱۵۸.
۶. الصحیفة العلویة، ص ۱۸۶؛ زاد المعاد، ص ۴۸؛ الإقبال، ج ۳، ص ۲۹۷.

هَمَّ الشَّقْمُ يَهْمُهُ هَمًّا أَذَابَهُ وَأَذَهَبَ لَحْمَهُ. وَهَمَّنِيَ الْمَرَضُ: أَذَابَنِي. وَهَمَّ الشَّحْمُ يَهْمُهُ هَمًّا: أَذَابَهُ.^۱

اگر این فرضیه صحیح باشد، اشکال بی معنایی آن عبارت مصحف برطرف شده و عبارت چنین معنا می شود:

خدایا، به من شیدایی الهام فرما و مرا در نسیم خوش کامیابی به اسمایت، ذوب کن.

نگارنده این فرضیه را کامل ترین و تنها راه حل برون رفت از اشکال معنایی بخش بالا می داند؛ زیرا به حسب ارتکاز «اجعل» کاملاً در مظان زیادت نساخ و موافق با ارتکاز آن هاست. حال آن که در مقابل، «هَمَّنِيَ» واژه ای دشوار و نامأنوس است، پس به حکم مهم ترین اصل تصحیح انتقادی «ضبط دشوارتر، برتر است»^۲. علاوه بر این، عبارت «واجعل همتی» سجع و یک نواختی سیاق پسین و پیشین را تماماً از بین می برد: «أَقْمَنِي... وَالْهَمَنِي... واجعل همتی... أَلْحَقْتَنِي»، در حالی که «وَهَمَّنِيَ» هماهنگ و هم آهنگ با این سیاق است.

۵. اصلاح خوانش برخی بخش ها

۵-۱. وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُبْدِيَ بِهِ مِنْ مَنَظِقِي وَاتَّقَوْهُ بِهِ مِنْ ظَلِيَّتِي وَأَرْجُوهُ لِعَاقِبَتِي

در ابتدای بخش، «ما» موصوله است (و نه نافی) و بر «أَمْرُ مُنْقَلَبِي وَمَثْوَايَ» عطف می شود؛ یعنی «وَلَا يَخْفَى عَلَيْكَ مَا أُرِيدُ أَنْ أُبْدِيَ بِهِ». همچنین دو فعل بعدی (اتَّقَوْهُ، أَرْجُوهُ) نیز بر خلاف ضبط چاپ سنگی و تصحیح بنیاد رضوی، باید بر «أُبْدِيَ» عطف شده و منصوب خوانده شوند.^۳

۵-۲. كَأَنِّي بِنَفْسِي وَاقِفَةٌ

درباره این عبارت، دو وجه اعرابی قابل تصور است:

الف) «كَأَنِّي» حرف مشبهة بالفعل و اسم آن، «بنفسی» تأکید و «واقفة» خبر «كَأَنَّ». این وجه با این اشکال جدی مواجه است که بین اسم و خبر در تأنیث مطابقت نیست؛ اسم (یاء متکلم) بروجود مبارک امیرالمؤمنین (ع) اطلاق شده و مذکر است، اما خبر آن (واقفة) تاء

۱. لسان العرب، ج ۱۲، ص ۶۲۰.

۲. طبع انتقادی شاهنامه فردوسی، ص بیست و سه.

۳. مفاتیح الجنان، چاپ سنگی، ص ۱۵۷؛ مفاتیح الجنان، بنیاد رضوی، ص ۲۰۸.

تأنیث گرفته است. با وجود چنین اشکالی، باید این بخش را به گونه دیگری تحلیل ادبی نمود.

ب) از گونه‌های پرکاربرد استعمال «کأنَّ»، اسالیبی همچون: «كأنَّك بالدنيا لم تكن و بالآخرة لم تزل» و «كأنَّی بک تنحط» است.^۱ در بسیاری از احادیث دیگر نیز از این اسلوب استفاده شده است؛ از جمله آن‌که در ابتدای خطبه‌ای از نهج البلاغة می‌خوانیم:

يَا أَحْنَفُ كَأَنِّي بِهِ وَقَدْ سَارَ بِالْجَيْشِ.^۲

همچنین این جمله در مناجات الهیات و در دستور معالم الحکم (با تفاوت اندک) به این صورت ذکر شده است:

إِلَهِي كَأَنِّي بِنَفْسِي قَدْ أَضْجَعْتُ فِي حَفْرَتِهَا وَانصَرَفْتُ عَنْهَا الْمَشِيعُونَ مِنْ جِيرَتِهَا.^۳

این اسلوب به این صورت استعمال می‌شود که پس از «كأنَّ» و اسم آن، جمله حالیه و یا حال مفرده ذکر می‌شود. البته در چگونگی اعراب این جمله اختلاف وجود دارد و ابن هشام انصاری رساله مستقلى در تحقیق این مسئله نگاشته است،^۴ اما قدر مسلم در مثال ما با توجه به اشکال مطابقت اسم و خبر، راهی جز این وجود ندارد که «بنفسی» را خبر از یاء متکلم حساب کنیم، «واقفة» را به نصب خوانده و آن را حال از «نفس» بدانیم که مؤنث است. در این صورت مطابقت حال و ذو الحال تصحیح می‌شود.

این تحلیل ادبی از بخش فوق، علاوه بر تصحیح اعراب «واقفة»، در تصحیح ترجمه آن نیز نقش تعیین کننده‌ای دارد. «كأنَّ» در همگی موارد استعمالی مشابه در این اسلوب به معنای نزدیک بودن آن واقعه است؛ گویان که متکلم آن واقعه را پیش چشم خود می‌بیند و هم‌اکنون آن صحنه نزد او حاضر است. نحویان مکتب کوفه معنای «كأنَّ» در این اسلوب را تقریب دانسته‌اند و نحویان بصره با پذیرش اصل معنای استعمالی، آن را به معنای موضوع له، یعنی تشبیه ارجاع داده‌اند.^۵ مثلاً بخش مذکور در مناجات الهیات به این معناست که «خدایا، گویا نفس خویش را در آن حال می‌بینم که در قبر خوابانده شده و تشییع کنندگان از آن

۱. مغنی اللیب، ج ۱، ص ۱۹۲؛ الأشیاء و النظائر، ج ۳، ص ۱۷۱.

۲. نهج البلاغة، ص ۱۸۵.

۳. المناجاة الإلهیات، ص ۱۳؛ دستور معالم الحکم، ص ۲۶۹.

۴. الأشیاء و النظائر، ج ۴، ص ۶۱-۶۵.

۵. همان، ج ۴، ص ۶۱.

بازگشته‌اند». این معنا در عبارت نقل شده از نهج البلاغة و سایر احادیث و عبارات فصیح نیز مشهود است.

بر این اساس، می‌توان متوجه شد که ترجمه مفهومی بخش محل بحث ما در مناجات شعبانیه، نظیر مضمون وارد شده در مناجات الهیات، چنین است:

خدایا، گویی در آن روزی هستم که روحم محضر تو ایستاده و حسن اعتماد بر تو، بر او سایه افکنده است. تو نیز آن گونه که سزاوار خود توسست، با من رفتار کرده و مرا با بخشایش پوشانیدی.

پس این عبارات روح قدسی متکلم را در روز معاد و در مقابل دادگاه عدل الهی در نظر گرفته و با فرض وقوع این واقعه در آینده، آن را نزدیک می‌داند. برخلاف آنچه که غالب مترجمان و شارحان پنداشته و این عبارات را نه ناظر به روز معاد، که ناظر به حال فعلی و وقت مناجات دانسته‌اند.^۱

۳-۵. لَمْ تُؤَلِّنِي إِلَّا الْجَمِيلَ

این واژه را می‌توان از باب افعال (تولنی) یا از باب تفعیل (تولّنی) دانست. معنای باب تفعیل متعدی به دو مفعول از این ماده عبارت است از:

- الف) محوّل کردن کاری، همچون: «وَلَاةُ الْأَمِيرِ عَمَلَ كَذَا» و «وَلَاةُ بَيْعِ الشَّيْءِ»؛^۲
- ب) روی آوردن؛ مانند: «قَوْلٌ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ»؛^۳
- ج) روی برگرداندن و فرار کردن؛ مانند: «يُؤَلِّكُمُ الْأَذْبَارَ».^۴ روشن است که هیچ یک از این معانی با بخش حاضر سازگاری ندارد.

اما باب افعال این ماده از آلاء (= نعمت‌ها) گرفته شده و به معنای اعطا کردن و نیکی کردن به کار می‌رود؛ همچون: «أَوْلَيْتُهُ مَعْرُوفًا».^۵

اگر این واژه را از باب افعال بدانیم معنای این بخش «به نیکی احسان کردن» و کاملاً سازگار خواهد بود. شواهدی بر این ضبط در اشعار شعرای بلیغ عرب وجود دارد؛ متنّبی گوید:

۱. شکوه نجوا، ص ۵۰.

۲. الصحاح، ج ۶، ص ۲۵۲۹.

۳. سوره بقره، آیه ۱۴۴.

۴. سوره آل عمران، آیه ۱۱۱.

۵. الصحاح، ج ۶، ص ۲۵۲۹.

وَكُلُّ امْرِئٍ يُولِي الْجَمِيلَ مُحِبٌّ وَكُلُّ مَكَانٍ يُنْبِتُ الْعَرْطَ طَيِّبٌ^۱

۴-۵. قَنُوطُ الْأَيَّاسِ

این بخش هم در چاپ سنگی به اشتباه ضبط شده و همان صورت اشتباه در بسیاری از متون بعدی نیز تکرار شده است.^۲ در کتب لغت، واژه «ایاس» به فتح همزه وجود ندارد و اهل لغت تنها «ایاس» به کسر همزه را گزارش کرده‌اند.^۳ البته این واژه در تصحیح بنیاد رضوی به کسر همزه ضبط گردیده است.^۴

نتیجه‌گیری

محدث قمی به رغم دقت نظرو تلاش وافر، در نقل مناجات شعبانیه دچار خطاهایی شده است که با ضبط نادرست برخی کلمات در چاپ‌های موجود مفاتیح الجنان مقرون شده‌اند.

این نوشتار نمونه‌هایی از این موارد را آشکار کرده و کوشید تا با ضوابط علمی تصحیح انتقادی، شیوه تصحیح قیاسی را برای اصلاح آن به کار بگیرد.

یافته‌های تحقیق نشان داد که بررسی و مقایسه منابع مختلف و متون مشابه، در کنار استفاده از قواعد ادبی و تاریخی، می‌تواند خطاهای عبارتی را اصلاح کند و نیز در تعیین اعراب صحیح کلمات نقش بسزایی ایفا کند.

در نهایت، شش بخش مورد تصحیح انتقادی و چهار بخش مورد اصلاح خوانش قرار گرفت و فرایند تصحیح و اصلاح متون در یکایک این بخش‌ها به صورت تفصیلی بررسی شد که حاصل آن در جدول‌های ۱ و ۲ قابل مشاهده است:

متن مفاتیح الجنان	متن اختیار شده
۱ ... راجياً لما لديك ثوابي وتعلم ...	راجياً لما لديك قرآنی وتعلم
۲ ... ففعلت ما أنت أهله ...	ففعلت ما أنت أهله
۳ ... وعُد عليّ بفضلک علی مذهب ...	وعُد [...] بفضلک علی مذهب

۱. دلائل الإعجاز، ص ۳۱۲.

۲. مفاتیح الجنان، چاپ سنگی، ص ۱۵۹؛ مفاتیح نوین، ص ۶۷۶.

۳. لسان العرب، ج ۶، ص ۱۹.

۴. مفاتیح الجنان، ص ۲۱۱.

متن مفتاح الجنان	متن اختیار شده
۴ ... وأنا أحوج إلى سترها على منك في الأخرى [...] إذ لم تظهرها لأحد ...	وَأَنَا أَحْوَجُ إِلَى سِتْرِهَا عَلَى مَنْكَ فِي الْآخِرَى قَدْ أَحْسَنْتَ إِلَيَّ إِذْ لَمْ تَظْهَرِهَا لِأَحَدٍ
۵ ... ومن أقبلت عليه غير مملوك ...	وَمَنْ أَقْبَلَتْ عَلَيْهِ غَيْرَ مَمْلُوكٍ
۶ ... وهمتي في روح نجاح أسمائك ...	وَهُمَّتِي فِي رُوحِ نَجَاحِ أَسْمَائِكَ

جدول شماره ۱ - بخش هایی که مورد تصحیح انتقادی قرار گرفته اند.

ضبط کنونی مفتاح الجنان	خوانش اصلاح شده
۱ ... وَأَتَفَوَّهَ بِهِ مِنْ طَلْبَتِي وَأَرْجُوهُ لِعَاقِبَتِي ...	وَأَتَفَوَّهَ بِهِ مِنْ طَلْبَتِي وَأَرْجُوهُ لِعَاقِبَتِي
۲ ... كَأَنِّي بِنَفْسِي وَاقِفَةٌ بَيْنَ يَدَيْكَ ...	كَأَنِّي بِنَفْسِي وَاقِفَةٌ بَيْنَ يَدَيْكَ
۳ ... وَأَنْتَ لَمْ تُؤَلِّنِي إِلَّا الْجَمِيلَ فِي حَيَاتِي ...	وَأَنْتَ لَمْ تُؤَلِّنِي إِلَّا الْجَمِيلَ فِي حَيَاتِي
۴ ... لَمْ أَسْلُطْ عَلَى حَسَنِ ظِلَّتِي قَنُوطَ الْأَيَّاسِ ...	لَمْ أَسْلُطْ عَلَى حَسَنِ ظِلَّتِي قَنُوطَ الْأَيَّاسِ

جدول شماره ۲ - بخش هایی که خوانش آن ها اصلاح شده است.

با توجه به محدودیت دسترسی به برخی نسخه های خطی (مذکور در بخش شناخت مصادر مناجات شعبانیه)، محدودیت تتبع کامل نسبت به متون مشابه و البته محدودیت ذاتی حجم مقاله، ضرورت دارد پژوهشگران به بررسی سایر اختلافات نسخ و موارد مبهم در این مناجات بپردازند.

در پایان، متن مصحح و منقحی از این مناجات به دست آمده و با ترجمه صحیح در اختیار عموم مردم قرار گیرد تا جایگزین نقل مفتاح الجنان گردد.

برای تحویل این مهم، مشابهت یابی بخش به بخش این مناجات و گزارش مصادر مناجات شعبانیه به صورت نسخه بدل، نباید مورد غفلت قرار گیرد.

این مراحل باید در سایر میراث گران بهای ادعیه شیعه نیز به کار گرفته شود تا اهل ایمان بهره کاملی از این میراث ارزشمند ببرند.

کتابنامه

الف) منابع مکتوب

قرآن کریم.

الأشباه والنظائر فى النحو، عبد الرحمن بن أبى بکر سیوطی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۸ق.

الإقبال بالأعمال الحسنة فيما يعمل مرة فى السنة، سید على بن موسى بن طاووس، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶ش.

الإنسان والعقيدة (رسالة الولاية)، محمد حسین طباطبائی، قم، باقیات، ۱۴۲۸ق.
بحار الأنوار لدرر أخبار الأئمة الأطهار، محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

بر سفره توحید: سیری در مناجات شعبانیه، محمد حسن وکیل، مشهد، مؤسسه خدمات مشاوره ای جوانان و پژوهش های اجتماعی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۳ش.
البلد الأمين والدرع الحصین، ابراهیم بن على کفعمی، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۸ق.

دستور معالم الحكم، قضاعی، محمد بن سلامة قضاعی، بیروت، شركة دار الأرقم بن أبی الأرقم، ۱۴۱۸ق.

دلایل الإعجاز فى علم المعانی، عبد القاهر بن عبد الرحمان جرجانی، بیروت، منشورات محمد على بیضون، ۱۴۲۲ق.

دیوان المبتدأ والخبر فى تاریخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوی الشأن الأكبر، عبد الرحمن بن محمد بن محمد ابن خلدون، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۸ق.

رجال النجاشی، احمد بن على نجاشی، قم، مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۳۶۵ش.
ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، عبد الله بن عیسی بیگ افندی، بیروت، مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۳۱ق.

زاد المعاد، محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، بیروت، مؤسسة الأعلمی، ۱۴۲۳ق.

سفینه البحار، شیخ عباس قمی، تهران، اسوه، ۱۴۱۴ق.

شرح الرضى على الكافية، محمد بن حسن رضى الدين استرآبادی، بیروت، مؤسسة الصادق للطباعة والنشر، ۱۳۸۴ش.

- شکوه نجوا: شرحی بر مناجات شعبانیه و مناجات المریدین، محمدتقی مصباح یزدی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۲ش.
- الصباح: تاج اللغة وصحاح العربیة، اسماعیل بن حماد جوهري، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۴۰۴ق.
- الصحيفة العلوية و التحفة المرتضوية، عبد الله بن صالح سماهيجی، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۹۶ق.
- صحيفة العلوية و تحفة المرتضوية، عبد الله بن صالح سماهيجی، مخطوط (کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره بازیابی ۱۲۴۴۴).
- صحیفه امام، امام روح الله خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۹ش.
- طبع انتقادی شاهنامه فردوسی، جلال خالقی مطلق، بیبلیوتکا نیویورک، ۱۳۶۶ش.
- عدة الداعی ونجاح الساعی، احمد بن محمد بن فهد حلی، تهران، دار الکتب الإسلامی، ۱۴۰۷ق.
- فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، مصطفی درایتی، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۲ش.
- قاموس الرجال، محمدتقی شوشتری، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۰ق.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، قم، دارالحديث، ۱۴۲۹ق.
- کلیات مفاتیح نوین، ناصر مکارم شیرازی، قم، مدرسه الإمام علی بن أبی طالب (ع)، ۱۳۹۰ش.
- کمال الدین و تمام النعمة، محمد بن علی صدوق، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۵ق.
- لسان العرب، محمد بن مکرم بن منظور، بیروت، دار الفکر، بی تا.
- المراقبات، میرزا جواد ملکی تبریزی، قم، بیدار، ۱۳۸۵ش.
- المزار الكبير، محمد بن جعفر ابن مشهدی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹ق.
- المزار، محمد بن مکی شهید اول، قم، مدرسه امام مهدی (عج)، ۱۴۱۰ق.
- المصباح (جَنَّةُ الأمان الواقیة و جَنَّةُ الأیمان الباقیة)، ابراهیم بن علی کفعمی، بی جا، دار الرضی، ۱۴۰۵ق.
- مصباح المتهجد و سلاح المتعبّد، محمد بن الحسن طوسی، قم، مؤسسه فقه الشیعة، ۱۴۱۱ق.

مغنی اللیب عن کتب الأعاریب، عبد الله بن یوسف بن هشام، قم، کتابخانه عمومی آیه الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۱۰ق.

مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، تهران، اسلامیة (چاپ سنگی)، ۱۳۱۹ش.

مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، مشهد، به نشر (تصحیح و تحقیق بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی)، ۱۳۹۵ش.

مهج الدعوات ومنهج العبادات، سید علی بن موسی بن طاووس، بیروت، دار الذخائر، ۱۴۱۱ق.

نقد و تصحیح متون (مراحل نسخه شناسی و شیوه های تصحیح نسخه های خطی فارسی)، نجیب مایل هروی، بی جا، بنیاد فرهنگی مایل هروی، ۱۴۰۲ش.

نهج البلاغة، محمد بن الحسین شریف رضی، قم، دار الهجرة، ۱۴۱۴ق.

نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغة، محمد باقر محمودی، بیروت، مؤسسة النعمان، ۱۹۶۸م.

یادداشت ها و اندیشه ها: از مقالات، نقدها و اشارات، تهران، عبدالحسین زرین کوب، سخن، ۱۳۷۹ش.

«المناجاة الإلهیة»، سعیدرضا علی عسکری، میراث حدیث شیعه، ۱۳۷۸ش، دفتر دوم.

ب) منابع الکترونیکی

نرم افزار جامع الأحادیث، نسخه ۳/۵، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.

نرم افزار جامع التفاسیر، نسخه ۳، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.

نرم افزار قواعد ادبیات عربی، نسخه ۱، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.